

بررسی تاثیر پاداش مدیرعامل، تخصص هیات مدیره و حق الزحمه حسابرسی بر مدیریت سود با توجه به نقش تعدیل کننده رشد فروش در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

رضا حسینی^۱

معصومه علیپور^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۲/۰۶/۲۶

چکیده

هدف از این بررسی تاثیر پاداش مدیرعامل، تخصص هیات مدیره و حق الزحمه حسابرسی بر مدیریت سود با توجه به نقش تعدیل کننده رشد فروش در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت توصیفی است. نمونه آماری شامل ۱۳۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که دوره ۱۳۹۴-۱۴۰۰ فعال بوده اند. روش آماری این پژوهش رگرسیون چند متغیره است. جهت آزمون فرضیه ها از نرم افزار Eviews نسخه ۱۰ استفاده گردید. نتایج پژوهش حاکی از آن است که پاداش مدیرعامل بر مدیریت سود تاثیر معناداری دارد و حق الزحمه حسابرسی بر مدیریت سود تاثیر مثبت و معناداری دارد و تخصص هیات مدیره بر مدیریت سود تاثیر مثبت و معناداری دارد و پاداش مدیرعامل، حق الزحمه حسابرسی و تخصص هیات مدیره بر مدیریت سود با توجه به نقش تعدیل کننده رشد فروش تاثیر مثبت و معناداری دارد.

واژگان کلیدی

مدیریت سود، رشد فروش، تخصص هیات مدیره

۱. استادیار حسابداری، موسسه آموزش عالی خرد بوشهر، بوشهر، ایران.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی خرد بوشهر، بوشهر، ایران.

مقدمه

سود یکی از مهمترین عوامل موثر بر تصمیم گیریهای اقتصادی است، آگاهی استفاده کنندگان از قابل اتکاء بودن سود می تواند آنها را در اتخاذ تصمیمات بهتر در مورد سودآوری و تجزیه و تحلیل صورتهای مالی یاری دهد. نظریه کیفیت سود برای اولین بار توسط تحلیل گران مالی و کارگزاران بورس مطرح شد؛ زیرا آنان احساس می کردند سود گزارش شده، قدرت سود را به درستی نشان نمی دهد. آنان دریافتند که پیش بینی سودهای آینده بر مبنای نتایج گزارش شده، کار مشکلی است. افزون بر این، تحلیلگران فهمیدند که تجزیه و تحلیل صورتهای مالی شرکت ها به دلیل نقاط ضعف متعدد در اندازه گیری اطلاعات حسابداری کار مشکلی می باشد.

سازمانهای امروزی به منظور کاهش تعارض بین سهامداران و مدیریت بر مجزاسازی مالکیت از مدیریت تاکید می ورزند. لذا با افزایش تعداد سهامداران بالاخص سهامداران عمده، تضاد منافع در بین سهامداران و مدیران نیز افزایش می یابد تا جائیکه ممکن است بر امر نظارت و کنترل بر عملکرد مدیریت و سیاست های مدیریت در ارتباط با سود شرکت خدشه وارد کند (روبین و وو^۱، ۲۰۱۲). شاخص های سود در صنایع مختلف با توجه به دیدگاههای تئوریک مرتبط با تولیدات متفاوت بوده و بستگی به عواملی مانند، حجم تولید، بهای تولید، میزان فروش، هزینه های انبارداری و ... دارد که هر کدام از آنها می تواند به شیوه های مختلفی دستکاری شود (برگستر و فیلیپون^۲، ۲۰۰۶). از طرفی به منظور جبران خلاقیت و ابتکارات مدیریت در یافتن و بکارگیری رویه ها و روشهای کاری جدیدتر و بهتر غالباً سازمان به مدیریت پاداش می دهد (جوای^۳، ۲۰۰۸). پاداش غالباً به خاطر انجام وظایف در سطحی بالاتر از استانداردهای عادی کاری صورت می گیرد (جینجین و استولوی^۴، ۲۰۰۸). طرحهای پاداش مبتنی بر ارقام سود حسابداری در کنار عوامل دیگری چون امنیت شغلی که رابطه مستقیم با رفاه مدیریت دارد؛ به طور مستقیم یا غیر مستقیم با سودآوری بالای شرکت در ارتباط است (فرانسیس و همکاران^۵، ۲۰۰۵).

تحقیقات کارتر^۶ و همکاران (۲۰۰۹)؛ بالسام^۷ (۱۹۹۸)؛ کرن و همکاران^۸ (۲۰۰۸) و هیلی^۹ (۱۹۸۵) در مورد رابطه بین حاکمیت شرکت ها و گزارشگری مالی نشان دهنده تأثیر مثبت مدیریت سود بر پاداش و جبران خدمات مدیران اجرایی است. مطابق گفته هیلی (۱۹۸۵) طرحهای پاداش و آپشن های سهام دو مؤلفه جبران خدمات مدیران اجرایی هستند که تا حدود زیادی به سود حسابداری بستگی دارند. به طور خاص، تعدادی از مطالعات نشان می دهد که مدیر عامل شرکت، رویه های حسابداری فرصت طلبانه را انتخاب می کند که سود را به نفع خود به حداکثر رساند. ۱- به منظور حداکثر

¹ Robin and Wu

² Bergstresser and Philippon

³ Guay

⁴ Jeanjean and Stolowy

⁵ Francis et al

⁶ Carter

⁷ Balsam

⁸ Cornett et al

⁹ Healy

کردن پاداش خود (دس و همکاران^۱، ۲۰۱۳؛ هیلی و همکاران^۲، ۱۹۸۷)؛ و ۲ - افزایش قیمت سهام که به نوبه خود جبران خدمات مبتنی بر سهام را به حداکثر می‌رساند (بنیش و وارگیوس^۳، ۲۰۰۲؛ اسلون^۴، ۱۹۹۶)؛ بنابراین، مدیران عامل ممکن است درگیر فعالیت‌های مدیریت سود به منظور تداوم سود شوند و بر این اساس پاداش خود مبتنی بر افزایش و تداوم سود را به حداکثر برساند (گونگ^۵ و همکاران، ۲۰۱۹).

با در نظر گرفتن اهمیت خدمات حسابرسی و عدم امکان مشاهده مستقیم کیفیت حسابرسی، پیدا کردن روشی اثربخش برای کنترل کیفیت حسابرسی، امری ضروری است. مهم‌ترین جنبه کنترل و مدیریت کیفیت حسابرسی را می‌توان حق الزحمه حسابرسی دانست. حق الزحمه خدمات حسابرسی شرط ضروری برای اطمینان نسبت به کیفیت حسابرسی است. اگر چه حق الزحمه بیشتر حسابرسی همیشه بیانگر هزینه حسابرسی با کیفیت بالاتر نیست اما علاوه بر داشتن کیفیت حسابرسی مناسب، موسسات حسابرسی هزینه استاندارد را برای انجام کار خود در نظر می‌گیرند که به طور طبیعی حق الزحمه دریافتی آنها بیشتر از این هزینه هاست. در صورت وجود رقابت در بازار، موسسات حسابرسی علاوه بر دریافت حق الزحمه کمتر، ممکن است که صاحب کاران خود را نیز از دست بدهند. در صورتی هم که موسسات حسابرسی حق الزحمه خیلی بالاتری را نسبت به هزینه‌های صرف کرده برای انجام حسابرسی درخواست کنند، دیدگاه جامعه نسبت به کیفیت کار آنها با تردید همراه خواهد شد؛ بنابراین می‌توان مشاهده کرد که تحقیقات تجربی در رابطه با حق الزحمه حسابرسی شرکت‌های بورسی در ایران، اطلاعات مناسبی را برای سرمایه‌گذاران به منظور تفسیر حق الزحمه حسابرسی فراهم می‌آورد (خوشکار و همکاران، ۱۳۹۸).

همچنین نرخ رشد شرکت (رشد فروش) می‌تواند تاثیری بر میزان سود شرکت داشته باشد. شرکت‌های بزرگ نسبت به شرکت‌های کوچک مطلوب‌تر هستند به گونه‌ای که رشد شرکت تا حد زیادی بر سود و ارزش شرکت تأثیر می‌گذارد. رشد فروش (رشد فروش) توسط شرکت‌های داخلی و خارجی بسیار مورد انتظار است، زیرا شرکت‌هایی که رشد خوبی دارند نشان می‌دهند که شرکت‌ها قادر به توسعه و تولید وجوه به خوبی هستند. به طور کلی، شرکت‌های در حال رشد سریع نتایج مثبتی به دست می‌آورند و این بدان معنی است که شرکت قادر به رقابت است و از فروش‌هایی که به میزان قابل توجهی افزایش می‌یابد و همراه با افزایش سهم بازار است، حداکثر سود را می‌برد. به طوری که اگر سطح فروش شرکت افزایش یابد باعث افزایش سودآوری شرکت می‌شود.

براساس مطالب بیان شده این سوال مطرح می‌شود که آیا پاداش هیئت مدیره بر مدیریت سود تاثیر معناداری دارد؟ و آیا حق الزحمه حسابرسی بر مدیریت سود تاثیر معناداری دارد؟ و آیا تخصص هیات مدیره بر مدیریت سود تاثیر معناداری

¹ Das et al

² Healy et al

³ Beneish and Vargus

⁴ Sloan

⁵ Gong

دارد؟ و همچنین آیا پاداش هیئت مدیره، حق الزحمه حسابرسی و تخصص هیات مدیره بر مدیریت سود با توجه به نقش تعدیل کننده رشد فروش تاثیر معناداری دارد؟ لذا این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سوالات می باشد.

مبانی نظری

پاداش مدیران

سازمان برای جبران عملکرد بالای فرد و وقت و نیرویی که او به خاطر نیل به اهداف سازمان صرف می کند به فرد پاداش می دهد.

وقتی که انجام وظایف در سطحی بالاتر از استانداردهای عادی کاری است از پاداش به عنوان مزایای فوق العاده استفاده می شود.

سیستم پاداش در سازمان، هم رفتار و هم عملکرد برجسته را مد نظر قرار می دهد.

سیستم پاداش باید کارا و اثربخش باشد یعنی:

تخصیص پاداش حداکثر بازدهی و اثربخشی را در پی داشته باشد و طوری طراحی گردد که نیروی موثری برای عملکرد برجسته باشد تا بتواند به عنوان ساز و کاری برای ایجاد انگیزه در کارکنان عمل کند.

تخصص هیات مدیره

معیارهای اندازه گیری تخصص مالی عبارتند از تجربه کاری طول دوره تصدی حداقل ۵ سال مدیریت در شرکت مورد مطالعه، تحصیلات دانشگاهی دارای حداقل مدرک کارشناسی در رشته های مالی از قبیل (حسابداری، اقتصاد، مدیریت) و تجربه حرفه ای دارای گواهینامه های حسابداری.

بازار بورس اوراق بهادار به طور واضح محیطی است که مستلزم دانش و تخصص مالی برای اخذ تصمیمات سرمایه گذاری است. وقتی مدیر شناخت خوبی از لحاظ ادبیات، مالی راهبردهای سرمایه گذاری و نتایج ضمنی راهبردهای تأمین مالی دارد احتمال اینکه رفتاری ناعقلانی داشته باشد میتواند کاهش یابد برخلاف این، مدیری که تخصص غیرمالی دارد ممکن است حساسیت سرمایه گذاری جریان نقدی را افزایش دهد. علتش آن است که وی فاقد روحیه مالی است (قنبری و همکاران (۱۳۹۲)

حق الزحمه حسابرسی

حق الزحمه حسابرسی: حق الزحمه ی حسابرسی شامل هرگونه وجهی است که بابت ارائه ی خدمات حسابرسی و طبق توافق یا قرار داد به حسابرس یا موسسه ی حسابرسی پرداخت می شود (مهرانی و همکاران، ۱۳۸۸) و در تعریفی دیگر حق الزحمه حسابرسی: مبلغی است که حسابرس بابت خدماتی که می خواهد به مشتری ارائه دهد تعیین می کند. در حق الزحمه حسابرسی برآورد ساعت کار کلیه پرسنل در تمام سطوح در نظر گرفته می شود. (شادمان، ۱۳۸۳)

عوامل موثر بر حق الزحمه حسابرسی

در جهان حسابرسی به عنوان یک حرفه، یک تخصص و یک رشته دانشگاهی و علمی عمر نسبتاً کوتاهی دارد که به زحمت به بیش از یکصد سال می رسد ولی پیدایش حسابرسی به لحاظ زمانی با ظهور و معرفی حسابداری همراه بوده است. در واقع از زمانی که پیشرفت و تحول در تمدن بشر این ضرورت را به وجود آورد که مسئولیت اداره اموال یک

شخص به شخص دیگری تفویض شود، اعمال نوعی نظارت بر پابندی و وفاداری نسبت به تعهدات قراردادی نیز ضرورت یافته است؛ اما هنوز و همراه با تحولات شتاب آمیز یکصدسال گذشته، حرفه حسابرسی به سرعت خود را با شرایط و اوضاع و احوال زمان تطبیق داده و به یک دانش تخصصی مطرح شده است.

فرآیند تکامل حسابرسی با بکارگیری علوم و فنون دیگر مانند آمار و ریاضیات، مدیریت و سیستم های اطلاعاتی در حسابداری و حسابرسی همراه بوده و تغییرات وسیع تکنولوژی اطلاعات که به گسترش فرآیند سیستم های کامپیوتری پردازش اطلاعات مالی انجامید و نیز وضع قوانین مالیاتی و تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی توسط سازمان ها و نهادهای عمومی به ویژه از دهه ۷۰ به بعد، حسابداری را متحول و تغییرات و تحولات سریع حسابرسی را الزامی کرده است که حسابرسی را به رشته ای پیچیده و پویا تبدیل کرده است که دامنه آن به سرعت گسترده می شود.

حسابرسی به عنوان حرفه ای مستقل، وظیفه خطیری در جهت اعتبار دهی گزارش های مالی برای جامعه استفاده کنندگان اطلاعات مالی بر عهده دارد. از دیدگاه استفاده کنندگان اطلاعات، گزارش حسابرسی بسیار با ارزش است. این ارزش تابعی از اقوام و گروه های ذی علاقه است. شواهد بسیاری نشان می دهد که استفاده از خدمات حسابرسان مستقل در واحدهای اقتصادی گویای این واقعیت است که از دیدگاه دریافت کنندگان خدمات حسابرسی، ارزش این خدمات و منافع متصور بر اجرای آن به مراتب از مخارج آن بیشتر است.

حال واحدهای تجاری چه بهایی را برای خدمات دریافتی از حسابرسان مستقل پرداخت می کنند و آیا این بهاء توسط خودشان تعیین می شود و یا اینکه خود حسابرس بهای خدمات خود را تعیین می کند و یا اینکه توسط مراجع حرفه ای تعیین می شود.

همانطور که گفته شد فرآیند اعتبار دهی به گزارش های مالی که توسط حسابرس مستقل صورت می گیرد، دارای ارزش بسیار زیادی برای مدیران، سهامداران و سرمایه گذاران می باشد. به طوری که طبق قانون تجارت ایران، در صورت عدم وجود گزارش حسابرس و بازرس قانونی، صورت های مالی و گزارش فعالیت های هیئت مدیره در مجامع عمومی به تصویب نمی رسد. با وجود چنین ارزشی برای گزارش حسابرسی، پرداختن هر بهایی نیز برای دریافت این خدمات منطقی به نظر نمی رسد. در واقع مدیریت فزونی منافع بر مخارج همواره برقرار است و از طرفی نیز بهای خدمات حسابرسی برای واحد های تجاری به عنوان یک هزینه ثبت می شود و شرکت ها و واحدهای تجاری همیشه سعی در کاهش هزینه ها دارند و چون نمی توانند از حسابرسی صورت-های مالی اجتناب کنند بهای منطقی این خدمات را تقبل می کنند. (شادمان، ۱۳۸۳)

مدیریت سود

با گسترش روزافزون بازارهای مالی جهان از قرن بیستم، مسائلی همچون مدیریت و هموارسازی سود و حاکمیت شرکتی در دنیای حسابداری، مدیریت، اقتصاد و دیگر علوم با حساسیت ویژه ای مدنظر قرار گرفته و هر یک از صاحب نظران و محققین از زاویه علوم خود به بررسی و تفسیر نتایج حاصل از یافته هایشان پرداخته اند. با توجه به فرآیند افشای

اطلاعات، سرمایه گذاران (معامله گران) با مشکل عدم تقارن اطلاعاتی رو به رو هستند. این مشکل زمانی به وجود می آید که یکی از طرفین معامله نسبت به طرف دیگر، دارای اطلاعاتی بیش از طرف مقابل باشد؛ مانند تحقیقات پیشین، از معیار نقدشوندگی (اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام) به عنوان نماینده عدم تقارن اطلاعاتی استفاده شده است. نقش متولیان افشای اطلاعات در حاکمیت شرکتی متبلور می شود که در بر گیرنده کنترل و رویه هایی برای اطمینان از عدم حرکت مدیریت شرکت در جهت منافع شخصی و حرکت در مسیر حداکثر کردن منافع سهامداران و ارزش شرکت است.

یکی از اهداف گزارشگری مالی، ارائه ی اطلاعاتی است که برای سرمایه گذاران، اعتباردهندگان و دیگر کاربران فعلی و بالقوه در تصمیم گیری های مربوط به سرمایه گذاری و اعتباردهی و سایر تصمیم ها، سودمند باشد. یکی از معیارهای مهمی که گروه های مزبور برای برآورد قدرت سودآوری شرکت، پیش بینی سودهای آینده و ریسکهای مربوط به آن و همچنین ارزیابی عملکرد مدیریت استفاده میکنند، سودهای جاری و گذشته شرکت است.

سود نیز خود متشکل از اقلام نقدی و تعهدی است و اقلام تعهدی سود تا حدود زیادی در کنترل مدیریت هستند و وی می تواند برای بهتر جلوه دادن عملکرد شرکت و افزایش قابلیت پیش بینی سودهای آینده در اقلام تعهدی سود دست برده و به اصطلاح امروزی سود را مدیریت کند. به بیان دیگر، مدیران تلاش می کنند تا با انتخاب روش های مجاز حسابداری، نتایجی قابل پیش بینی و ثابت خلق کنند؛ زیرا اغلب سرمایه گذاران و مدیران اعتقاد دارند شرکت هایی که روند سودآوری مناسبی دارند و سود آن ها دچار تغییرات عمده نمی شود نسبت به شرکت های مشابه، ارزش بیشتر و قابلیت پیش بینی و مقایسه ی بیشتری دارند. از سوی دیگر، با توجه به تئوری نمایندگی مدیران می توانند از انگیزه ی لازم برای دستکاری سود به منظور حداکثر کردن منافع خود برخوردار باشند.

رشد فروش

رشد و مدیریت آن مشکلات خاصی را در برنامه ریزی مالی به همراه دارد که تا حدودی بدین خاطر است که تعداد کثیری از مدیران، رشد را به صورت چیزی که باید به حداکثر برسد، می بینند. آنها اینگونه استدلال می کنند: همانطور که رشد صورت گرفته است، به موازات آن باید سهم شرکت از بازار و سود نیز افزایش یابد. با این حال از دیدگاه مالی، رشد همیشه یک موهبت نیست. رشد سریع میتواند فشار قابل ملاحظه ای بر منابع شرکت وارد سازد. اگر مدیریت از این موضوع آگاهی نداشته باشد و گامی برای کنترل آن برندارد، رشد سریع میتواند باعث ورشکستگی شود. این یک حقیقت تلخ است: شرکتهایی که سریع رشد میکنند، نسبت به شرکتهایی که کند رشد میکنند، بیشتر ورشکست میشوند. بسیار غم انگیز است اگر بدانیم وقتی که شرکتهای سریع رشد هنگام برخورد با چالش در بازار (جوابگویی به تقاضاهای مردم) شکست می خورند زیرا آنها فراست کافی در زمینه ی مالی برای مدیریت رشدشان به طور صحیح نداشته اند. در طرف دیگر طیف، شرکتهایی که دارای رشد بسیار کند هستند، مجموعه ی مبرم از روابط مالی مختلف را دارند. وقتی مشیت ظاهر شود، اگر آنها نتوانند مفهوم مالی رشد را درک کنند، کاندیداهای بالقوه های برای فرصت طلبان باهوش خواهند بود تا به تملک آنان درآیند. در چنین مواردی مدیریت مالی رشد موضوع درخور بررسی دقیق است (هیکنز، ۲۰۰۳)

ال کوثر و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی کیفیت حسابرسی، تامین مالی از طریق بدهی و مدیریت سود پرداختند. نتایج به دست آمده بیان می کند که استقلال حسابرس تاثیر منفی بر مدیریت سود می گذارد و هر چه استقلال حسابرس بیشتر

باشد مدیریت سود در شرکت‌ها کمتر می‌شود. همچنین هر چه تامین مالی از طریق بدهی بیشتر باشد مدیریت سود در شرکت‌ها افزایش می‌یابد.

فاضلی و نیاکان (۱۴۰۰) به بررسی رابطه بین حضور زنان در هیئت مدیره و مدیریت سود و تاثیر سواد مالی اعضای زن در هیأت مدیره پرداختند. برای دستیابی به هدف پژوهش از اطلاعات ۱۲۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۹۸ تا ۱۳۹۶ استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها روش رگرسیون چند متغیره به کار گرفته شده است. یافته‌ها نشان دادند بین حضور زنان در هیئت مدیره و مدیریت سود رابطه منفی معناداری وجود دارد. همچنین مدیریت سود شرکت‌هایی که اعضای زن هیئت مدیره در آن دارای سواد مالی هستند، از شرکت‌هایی که اعضای زن هیئت مدیره در آن دارای سواد مالی نیستند، بیشتر است.

مزریبی نوده و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی تاثیر مکانیزم حاکمیت شرکتی بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد، شرکت‌هایی که معاملات با اشخاص وابسته دارند نسبت به شرکت‌هایی معاملات با اشخاص وابسته ندارند، مدیریت سود بیشتری دارند و هرچه حجم ریالی معاملات با اشخاص وابسته افزایش یابد، مدیریت سود افزایش پیدا خواهد کرد. از طرفی ترکیب هیئت مدیره و سهامداران نهادی بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود به ترتیب اثر منفی و مثبت دارد بدین معنی که هرچه ترکیب هیئت مدیره کاهش یابد، منجر به افزایش مدیریت سود می‌گردد و هرچقدر درصد سهامداران نهادی در شرکتی افزایش یابد، اثر مدیریت سود شرکت نیز افزایش خواهد یافت. همچنین با توجه به نتایج متغیرهای کنترلی، اهرم مالی و عمر شرکت رابطه منفی (معکوس) و متغیر اندازه شرکت رابطه مثبت و معناداری با مدیریت سود دارند اما بین فرصت‌های رشد با مدیریت سود رابطه‌ای وجود ندارد.

خانی و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی رابطه کیفیت حسابرسی (اندازه موسسه حسابرسی، تخصص حسابرسان در صنعت و دوره تصدی حسابرسان) و حق الزحمه غیرعادی حسابرسان با اظهار نظر حسابرسان نسبت به تداوم فعالیت پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که کیفیت بالاتر حسابرسی، باعث کاهش ابهام در تداوم فعالیت می‌شود. همچنین، بین اندازه مؤسسه حسابرسی و ابهام در تداوم فعالیت در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه منفی و معناداری وجود دارد. افزون بر آن، بین تخصص حسابرسان در صنعت و ابهام در تداوم فعالیت در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه منفی و معناداری مشاهده شد.

مهندرا و همکاران (۲۰۲۲) به بررسی تاثیر عملکرد مالی و مالکیت نهادی و ریسک بر پاداش مدیران پرداختند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که عملکرد و ریسک شرکت به‌طور معنی‌داری بر پاداش اجرایی صنایع بانکی در اندونزی تأثیر می‌گذارد. در همین حال، مالکیت نهادی تأثیر قابل توجهی بر غرامت اجرایی صنایع بانکی در اندونزی نداشت.

بوازیز و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی ویژگی‌های مدیرعامل و مدیریت سود پرداختند. نتایج نشان داد که بین دوگانگی مدیرعامل، ملیت مدیرعامل و مدیریت سود رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. با این حال، هیچ ارتباط معنی‌داری بین جنسیت مدیرعامل و مدیریت سود وجود ندارد.

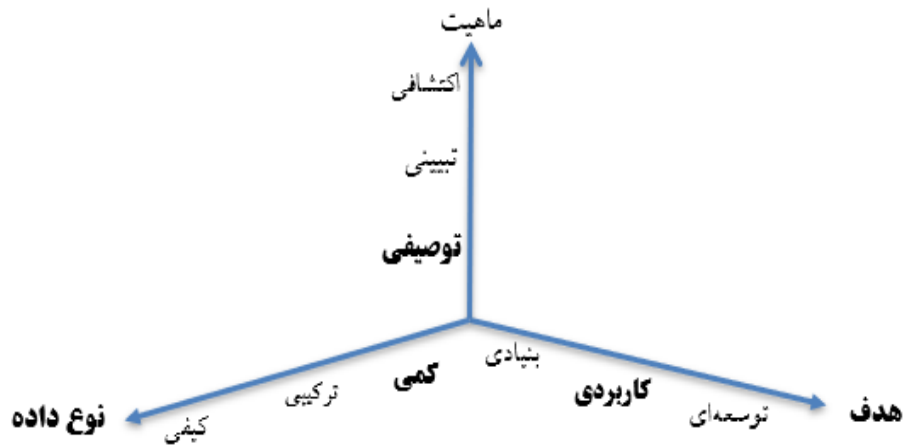
هسیه و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی تاثیر قابل اعتماد بودن چهره مدیران و دوره تصدی حسابرس بر حق الزحمه حسابرسی پرداختند. نتایج نشان داد که در تعهدات مقدماتی، حسابرسان حق الزحمه حسابرسی را از شرکتهایی که دارای CFOهای با چهره های قابل اعتماد هستند نسبت به شرکت هایی که دارای CFOهایی با چهره های غیر قابل اعتماد هستند به میزان ۵,۶٪ کمتر مطالبه می کنند. دوره تصدی حسابرس رابطه منفی بین حق الزحمه حسابرسی و قابلیت اعتماد چهره CFO را تضعیف می کند. شواهد بیشتر نشان می دهد که قابلیت اعتماد چهره CFOها با کیفیت گزارشگری مالی و ریسک قضائی رابطه ای ندارد.

روش شناسی تحقیق

با توجه به شکل ۱، از طرفی انواع تحقیقات را براساس نوع داده ها می توان به تحقیق کیفی، کمی و آمیخته تقسیم نمود. تحقیق های کمی غالباً از داده های کمی و تحقیق های کیفی غالباً از داده های کیفی استفاده می کنند منظور از کمی اتکای تحقیق به اعداد و رقم نیست چرا که داده های کیفی را هم می توان با ابزار کمی (اعداد و رقم) تحلیل نمود و این به معنای کمی بودن آنها نیست.

از آنجایی که این پژوهش در پی یافتن رابطه معناداری بین متغیرها است، بنابراین این پژوهش از لحاظ هدف توصیفی و در زمره پژوهش های همبستگی قرار می گیرد. همچنین، پژوهش حاضر از نگاهی دیگر توصیفی پس رویدادی است زیرا اطلاعات موجود پس از روی دادن موارد مربوط به تحقیق انجام می پذیرد، یعنی بر پایه تجزیه و تحلیل اطلاعات گذشته (صورت های مالی شرکت ها) انجام می گیرد و چون می تواند در فرایند استفاده از اطلاعات کاربرد داشته باشد، بنابراین از لحاظ ماهیت هم در زمره تحقیق های کاربردی است و از لحاظ نوع داده کمی است.

در این تحقیق برای نگارش و جمع آوری اطلاعات مورد نیاز بخش مبانی نظری به صورت کلی از مجلات تخصصی داخلی و خارجی و جهت گردآوری سایر داده ها و اطلاعات مورد نیاز، از صورت های مالی و غیر مالی منتشر شده شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و گزارش های منتشر شده در سایت کدال استفاده می شود. همچنین، جهت تجزیه و تحلیل آماری داده ها و آزمون فرضیه های پژوهش از آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده می شود. در بخش آمار توصیفی، آماره های میانگین، میانه، کمترین مقدار، بیشترین مقدار، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی هر یک از متیرها ارائه خواهد شد. آمار استنباطی شامل آزمون F لیمر و آزمون هاسمن (جهت تعیین و انتخاب نوع مدل) و همچنین آزمون نرمال بودن جزء خطا، آزمون همسانی واریانس، آزمون خودهمبستگی، آزمون پایایی و در نهایت تخمین مدل رگرسیونی است.



شکل ۱: نوع شناسی تحقیق

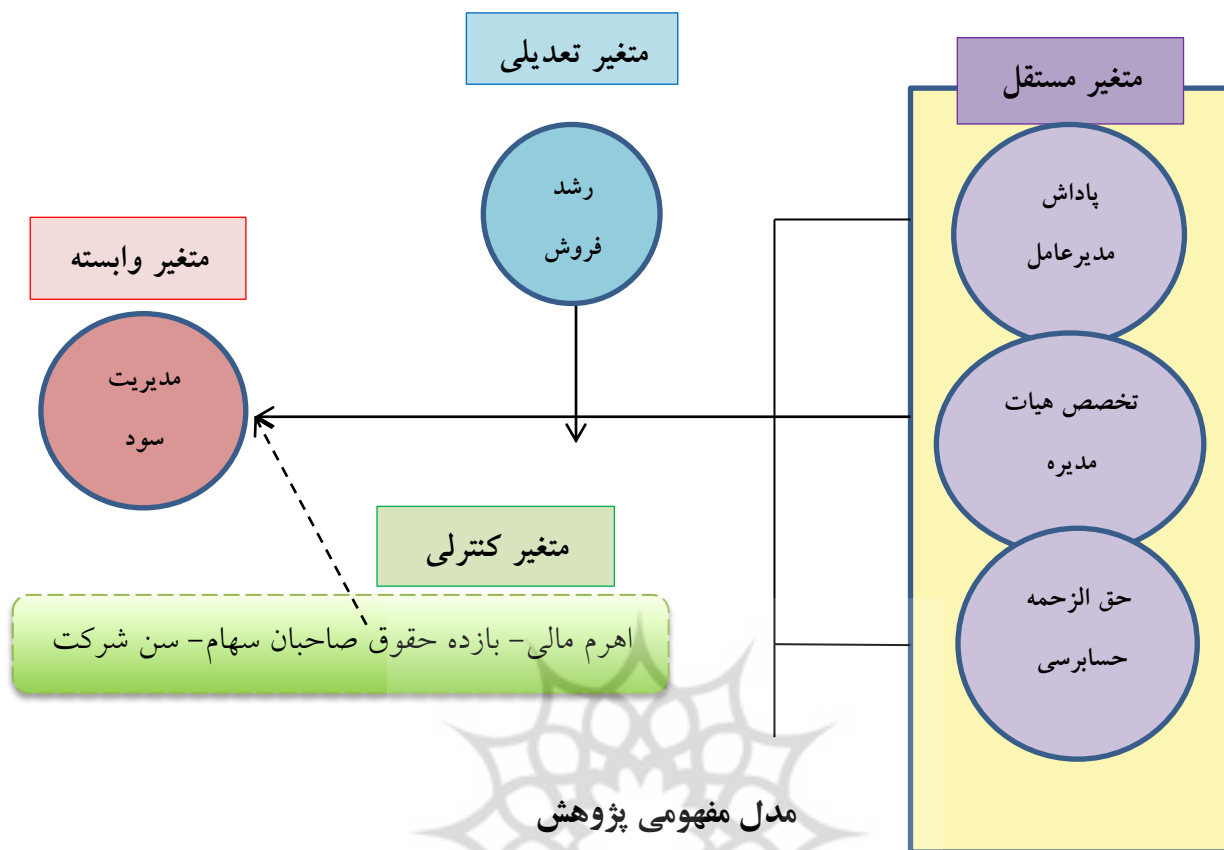
جامعه آماری شامل کلیه شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که از سال ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ در بورس اوراق بهادار تهران بوده اند. برای انتخاب نمونه ی آماری معیارهای زیر در نظر گرفته می شود:

جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران میباشد. به علت گستردگی حجم جامعه آماری و وجود برخی نا هماهنگی ها میان اعضای جامعه، شرایط زیر برای انتخاب نمونه آماری قرار داده شده و از این رو نمونه آماری به روش حذف سیستماتیک انتخاب میشود. شرایط یاد شده عبارت اند از

- ۱- تعداد شرکت هایی که در قلمرو زمانی ۱۳۹۴-۱۴۰۰ در بورس فعال نبوده اند.
- ۲- تعداد شرکت هایی بعد از سال ۱۳۹۳ در بورس پذیرفته شده اند.
- ۳- تعداد شرکت هایی که جز هلدینگ، سرمایه گذاری ها، واسطه گری های مالی، بانک ها و یا لیزینگ ها بوده اند.
- ۴- تعداد شرکت هایی که در قلمرو زمانی تحقیق تغییر سال مالی داده و یا سال مالی آن منتهی به پایان اسفند نمی باشد.
- ۵- تعداد شرکت هایی که در قلمرو زمانی تحقیق اطلاعات مورد آن ها در دسترس نمی باشد.

پس از تعیین روش تحقیق و چگونگی نوع نمونه و گزینش آن، محقق باید با توجه به هدف و ویژگی های روش تحقیق به جمع آوری داده ها پردازد. گردآوری دادهها به روشهای گوناگونی میسر است (سرمد و همکاران، ۱۳۸۵). در این پژوهش برای جمع آوری داده ها و اطلاعات مورد نیاز، ابتدا از روش کتابخانه ای و مطالعات اسنادی استفاده شده که بر این اساس، مبانی نظری و ادبیات پژوهش از کتب و مجلات تخصصی لاتین و فارسی گردآوری گردید. سپس داده های لازم برای آزمون فرضیه های تحقیق از طریق مراجعه به صورت های مالی و یادداشت های توضیحی شرکت های منتخب، لوح های فشرده آرشیو تصویری و آماری سازمان بورس اوراق بهادار تهران، پایگاه اینترنتی بورس اوراق بهادار و دیگر پایگاه های مرتبط و نیز از نرم افزار تدبیر پرداز و ره آورد نوین استخراج شد. داده ها پس از گردآوری و انتقال به صفحه گسترده Excel و اعمال محاسبات لازم، برای تجزیه و تحلیل نهایی آماده گردیدند. جهت تجزیه و تحلیل نهایی داده ها نیز از نرم افزار اقتصاد سنجی Eviews استفاده شده است.

متغیرهای پژوهش



متغیر وابسته

مدیریت سود (profit management)

مدیریت سود مدل مورد نظر در زیر برای پیش بینی فرضیه‌ها پیشنهاد شده است. مدیریت سود علاوه بر سه متغیر اصلی مورد توجه، مدل شامل تعدادی از متغیرهای کنترل است که به عنوان تعیین کننده‌های مهم مدیریت سود در تحقیقات قبلی شناخته شده است مدیریت سود به وسیله مدل کوتاری اندازه گیری می شود. کوتاری و همکاران مدلی را طراحی کردند که همانند مدل تعدیل شده جونز بود ولی در آن از نرخ بازده دارایی‌ها نیز استفاده شده بود. آنها در مطالعات خود یافتند که این مدل نتایج قوی تری نسبت به مدل جونز دارد. مدل آن‌ها به صورت زیر بود، کوتاری و همکاران^۱ (۲۰۰۵).

$$TAC/TA_{it} = \beta_1 \left(\frac{1}{TA} \right)_{it} + \beta_2 (\Delta REV - \Delta REC)_{it} / TA_{it} + \beta_3 (PPE/TA)_{it} + \beta_4 (\Delta CFO/TA)_{it} + \varepsilon_{it}$$

1 Kothari et all

متغیر مستقل

پاداش مدیرعامل (CEOCom):

در این تحقیق پاداش مدیرعامل متغیر مستقل است. برای سنجش پاداش مدیرعامل با توجه به مطالعات کرن و همکاران (۲۰۰۸) از لگاریتم طبیعی مبلغ پاداش مدیرعامل که در صورت های مالی و یا یادداشت های توضیحی و یا گزارش فعالیت هیات مدیره گزارش می شود، استفاده می گردد.

حق الزحمه حسابرسی (LNAFEE):

برابر است با لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی

تخصص هیات مدیره (Board expertise):

تخصص هیات مدیره یک متغیری مجازی است که برای اندازه گیری تخصص هیات مدیره از تجربه کاری حداقل ۳ سال مدیریت داشته باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر (ساعد و همکاران، ۲۰۱۵)

متغیر تعدیلی

رشد فروش GROW: فروش سال جاری منهای فروش سال قبل تقسیم بر فروش سال قبل (تغییر در مقدار فروش)

متغیر کنترلی

اهرم مالی (LEV)

بر اساس تقسیم کل بدهی های بلند مدت بر دارایی های کل بدست می آید.

بازده حقوق صاحبان سهام

این نسبت بیانگر مدیریت شرکت در استفاده کارا از پول سرمایه گذاران و نشان دهنده قدرت مدیریت در افزایش ارزش شرکت به صورت قابل قبول است. در واقع، بازده حقوق صاحبان سهام وضعیتی است که مدیر به دقت تمامی جنبه های فعالیت را به منظور استفاده بهتر و سودآورتر از منابع در دسترس موسسه، کنترل کند. یکی از وظایف اصلی مدیریت، ارزیابی و پیشبرد بازده حقوق صاحبان سهام شرکت است. در این تحقیق، از رابطه زیر برای محاسبه بازده حقوق صاحبان سهام استفاده می شود.

$$ROE_t = NI_t / E_t$$

که در آن، ROE بازده حقوق صاحبان سهام، NI سود خالص و E حقوق صاحبان سهام است.

سن شرکت

لگاریتم تعداد سال هایی است که شرکت در بورس پذیرفته شده است.

مدل رگرسیونی پژوهش

$$ACC_{it} = \alpha_0 + \beta_1 CEOCom_{it} + \beta_2 Lev_{it} + \beta_3 ROE_{it} + \beta_4 Age_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$ACC_{it} = \alpha_0 + \beta_1 LNAFEE_{it} + \beta_2 Lev_{it} + \beta_3 ROE_{it} + \beta_4 Age_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$ACC_{it} = \alpha_0 + \beta_1 BeX_{it} + \beta_2 Lev_{it} + \beta_3 ROE_{it} + \beta_4 Age_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$ACC_{it} = \alpha_0 + \beta_1 CEOCom_{it} + \beta_1 LNAFEE_{it} + \beta_1 BeX_{it} + \beta_4 (CEOCom * GROW)_{it} \\ + \beta_5 (LNAFEE * GROW)_{it} + \beta_6 (BeX * GROW)_{it} + \beta_2 Lev_{it} \\ + \beta_3 ROE_{it} + \beta_4 Age_{it} + \varepsilon_{it}$$

ACC: مدیریت سود

CEOCom: پاداش مدیرعامل

LNAFEE: حق الزحمه حسابرسی

BEX: تخصص هیات مدیره

Lev: اهرم مالی

ROE: بازده حقوق صاحبان سهام

Age: سن شرکت

اطلاعات بخش نظری پژوهش از کتب و مجلات فارسی و انگلیسی تأمین می شود. همچنین، داده‌های مورد نیاز برای تجزیه و تحلیل عمدتاً از شرکت های اطلاعاتی سازمان بورس اوراق بهادار تهران و نرم افزارهای صحرا و تدبیر پرداز استخراج شده است. روش گردآوری اطلاعات به دو روش کتابخانه ای و فیش برداری استفاده شده است. کلیه اطلاعات مربوط به متغیرهای تحقیق با استفاده از نرم افزارهای ره آورد نوین و شرکت جامع اطلاعات سازمان بورس از طریق صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس و یادداشت های همراه بدست می آید. پس از تعیین روش تحقیق و چگونگی نوع نمونه و گزینش آن، محقق باید با توجه به هدف و ویژگی های روش تحقیق به جمع آوری داده ها پردازد. گردآوری داده‌ها به روشهای گوناگونی میسر است (سرمد و همکاران، ۱۳۸۵). در این پژوهش برای جمع آوری داده ها و اطلاعات مورد نیاز، ابتدا از روش کتابخانه ای و مطالعات اسنادی استفاده شده که بر این اساس، مبانی نظری و ادبیات پژوهش از کتب و مجلات تخصصی لاتین و فارسی گردآوری گردید. سپس داده های لازم برای آزمون فرضیه های تحقیق از طریق مراجعه به صورت های مالی و یادداشت های توضیحی شرکت های منتخب، لوح های فشرده آرشیو تصویری و آماری سازمان بورس اوراق بهادار تهران، پایگاه اینترنتی بورس اوراق بهادار و دیگر پایگاه های مرتبط و نیز از نرم افزار تدبیر پرداز و ره آورد نوین استخراج شد. داده ها پس از گردآوری و انتقال به صفحه گسترده Excel و اعمال محاسبات لازم، برای تجزیه و تحلیل نهایی آماده گردیدند. جهت تجزیه و تحلیل نهایی داده ها نیز از نرم افزار اقتصادسنجی Eviews استفاده شده است.

یافته های پژوهش

این پژوهش به بررسی تاثیر پاداش مدیرعامل، تخصص هیات مدیره و حق الزحمه حسابرسی بر مدیریت سود با توجه به نقش تعدیل کننده رشد فروش در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می پردازد. در فصل قبل ابتدا تعریفی از پژوهش ارائه شد. سپس با تعریف فرضیه، فرضیه های پژوهش بیان شد که منجر به تعریف متغیرهای پژوهش، شامل دودسته متغیرهای مستقل وابسته گردید. بعدازآن جامعه آماری و روش گردآوری داده ها بیان شد. درنهایت در قسمت روش تجزیه و تحلیل داده ها و آزمون فرضیه ها به بیان روش های آزمون فرضیه ها، آزمون های ضریب همبستگی

پیرسون، آزمون F لیمر، آزمون هم خطی، آزمون برش پاگان و گودفری و آزمون F و t پرداخته شد. در این فصل نیز با بهره گیری از روش ها و تکنیک های مختلف و مناسب آماری که با روش پژوهش، نوع متغیرها، فرضیه ها و ... مطابقت دارد، به تجزیه و تحلیل داده ها و آزمون فرضیه ها پرداخته می شود تا پاسخ سؤالات پژوهش، یافت گردد. در این فصل نتایج پژوهش در دو بخش ارائه می گردد. بخش اول، مروری بر داده های جمع آوری شده و روند آن طی دوره ی مورد بررسی است. در بخش دوم، با توجه به داده های جمع آوری شده، فرضیه های پژوهش مورد آزمون قرار می گیرد و نهایتاً نتیجه گیری در مورد هر فرضیه ارائه می گردد. جامعه آماری در این پژوهش کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در یک دوره ده ساله ۱۴۰۰-۱۳۹۴ است.

در این پژوهش ۱۳۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که در این دوره زمانی ۷ ساله فعالیت داشته اند، مورد مطالعه قرار گرفتند.

در پژوهش حاضر ابتدا آمارهای توصیفی برای متغیرهای مدل رگرسیون ارائه می شود. شاخص های توصیف داده ها، شامل شاخص های مرکزی (مانند میانگین و میانه)، شاخص های پراکندگی (مانند واریانس و انحراف معیار) و شاخص های شکل توزیع (مانند شاخص چولگی و کشیدگی) برای تک تک متغیرهای پژوهش محاسبه خواهد شد. این آمارها شمای کلی از تک تک متغیرهای مدل به دست می دهد.

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش که با استفاده از داده های ۱۳۳ شرکت فعال در بورس اوراق بهادار تهران، طی دوره های زمانی بین سال های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ اندازه گیری شده اند، شامل تعداد مشاهدات، میانگین، انحراف معیار، حداقل، حداکثر، ضریب چولگی و ضریب کشیدگی است که در جدول ۴-۱ ارائه شده است.

جدول ۱ آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

پنل - متغیرهای پیوسته									
نام متغیر	نماد	تعداد مشاهدات	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
مدیریت سود	ACC	۹۳۱	۰,۰۰۲۰	-۰,۰۰۶۸	۰,۲۹۰۴	-۰,۲۵۰۰	۰,۱۱۸۴	۰,۲۹۴۱	۲,۶۸۱۲
پاداش مدیرعامل	CEOCom	۹۳۱	۴,۷۹۲۵	۶,۲۰۴۶	۱۰,۹۸۴۵	۰,۰۰۰۰	۳,۳۷۶۵	-۰,۵۴۰۸	۱,۶۱۵۱
حق الزحمه حسابرسی	AFEE	۹۳۱	۱۰,۳۱۳۱	۱۰,۳۱۱۳	۱۶,۰۱۵۵	۵,۶۰۶۸	۱,۳۸۹۴	۰,۳۳۲۵	۴,۴۵۷۱
تخصص هیئت مدیره	BEX	۹۳۱	۰,۵۹۰۸	۱	۱	۰	۰,۴۹۲۰	-۰,۳۶۹۲	۱,۱۳۶۳
رشد فروش	Growth	۹۳۱	۰,۲۵۹۵	۰,۱۷۳۳	۷,۸۱۵۵	-۰,۹۳۱۰	۰,۶۰۰۵	۲,۵۳۶۱	۷,۰۲۵۷
اهرم مالی	LEV	۹۳۱	۰,۵۷۷۴	۰,۵۹۳۵	۱,۵۶۵۶	۰,۰۱۲۷	۰,۲۲۳۲	-۰,۰۱۲۶	۳,۳۸۹۱
بازده حقوق صاحبان سهام	ROE	۹۳۱	۰,۲۴۶۲	۰,۲۲۶۶	۶,۸۸۸۵	-۲,۸۹۸۸	۰,۵۱۲۴	۳,۱۵۳۲	۸,۸۳۸۹
سن شرکت	AGE	۹۳۱	۳,۶۶۶۱	۳,۷۸۴۲	۴,۲۰۴۷	۲,۶۳۹۱	۰,۳۴۰۱	-۰,۱۴۵	۲,۷۹۷۹

در جدول (۱)، برخی از مفاهیم آمار توصیفی متغیرها شامل میانگین، میانه، حداقل مشاهدات، حداکثر مشاهدات، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی ارائه شده است. در این میان، پارامترهای مرکزی، دسته ای از پارامترهای توصیف کننده ی یک توزیع آماری هستند که ویژگی داده ها را نسبت به مرکز توزیع بیان می کنند. میانگین به عنوان نقطه تعادل و

مرکز ثقل یک توزیع آماری، یکی از شاخص‌های مرکزی مناسب برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. در جدول ۴-۱ تعداد مشاهدات مربوط به شرکت‌های مورد مطالعه ۹۳۱ (۱۳۳ شرکت در ۷ سال) است. همچنین مشاهده می‌شود که میانگین و انحراف معیار متغیرهای، مدیریت سود $۰/۱۱۸ \pm ۰/۰۰۲$ ، پاداش مدیرعامل $۳/۳۷۶ \pm ۴/۷۹۲$ ، حق الزحمه حسابرسی $۱/۳۸۹ \pm ۱۰/۳۱۳$ ، تخصص هیئت مدیره $۰/۴۹۲ \pm ۰/۵۹۱$ ، رشد فروش $۰/۶۰۰ \pm ۰/۲۵۹$ ، اهرم مالی $۰/۲۲۳ \pm ۰/۵۷۷$ ، بازده حقوق صاحبان سهام $۰/۵۱۲ \pm ۰/۲۴۶$ و سن شرکت $۳/۶۶۶ \pm ۰/۳۴۰$ است.

دسته‌ای دیگر از پارامترهای توصیف‌کننده‌ی جامعه، پارامترهای پراکندگی هستند. پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده‌ها از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از جمله مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. هرچه قدر میزان انحراف معیار یک توزیع آماری بیشتر باشد، نشان‌دهنده‌ی این است که این داده‌ها، دارای پراکندگی بیشتری هستند. در میان متغیرهای این پژوهش پاداش مدیرعامل بیشترین پراکندگی مدیریت سود کمترین پراکندگی را دارد؛ اما نکته‌ای که باید به آن توجه داشت عدم یکسان بودن واحد سنجش این دو متغیر است و لذا اختلافی که در میزان بیشترین و کمترین انحراف معیار متغیرها مشاهده می‌شود، دلیلی بر عدم مناسب بودن داده‌ها برای برآورد نیست. چولگی بیانگر عدم تقارن منحنی فراوانی است. اگر ضریب چولگی صفر باشد جامعه کاملاً متقارن است و چنانچه ضریب مثبت باشد، چولگی به راست و اگر منفی باشد، چولگی به چپ وجود دارد. با در نظر گرفتن ضریب چولگی انواع متغیرها، مشخص می‌شود که توزیع متغیرهای پژوهش به پاداش مدیرعامل، تخصص هیئت مدیره، اهرم مالی و سن شرکت به‌طور کلی از چولگی به سمت راست (چولگی مثبت) برخوردار است؛ این بدان معناست که توزیع جامعه، توزیع نامتقارن با کشیدگی به سمت مقادیر بالاتر بوده است. کشیدگی نشان‌دهنده ارتفاع یک توزیع است. به عبارت دیگر کشیدگی معیاری از بلندی منحنی در نقطه ماکزیمم است و مقدار کشیدگی برای توزیع نرمال برابر ۸ است. کشیدگی مثبت یعنی قله توزیع موردنظر از توزیع نرمال بالاتر و کشیدگی منفی نشانه پایین‌تر بودن قله از توزیع نرمال است؛ که در اینجا کشیدگی اکثر متغیرهای پژوهش مثبت است.

جدول ۲- نتایج آزمون مانایی برای متغیرهای مدل‌ها

نتیجه	مقدار *p	آماره آزمون	متغیر
پایا	۰,۰۰۰۰	-۲۵,۴۱۷	مدیریت سود
پایا	۰,۰۰۰۰	-۳۰,۱۰۷	پاداش مدیرعامل
پایا	۰,۰۰۰۰	-۳۳,۵۴۵	حق الزحمه حسابرسی
پایا	۰,۰۰۰۰	-۵,۳۳۳	تخصص هیئت مدیره
پایا	۰,۰۰۰۰	-۵۵,۸۷۰	رشد فروش
پایا	۰,۰۰۰۰	-۲۴۶,۸۴۶	اهرم مالی
پایا	۰,۰۰۰۰	-۷۷,۶۵۵	بازده حقوق صاحبان سهام
پایا	۰,۰۰۰۰	-۷۸,۴۹۵	سن شرکت

* p-value (prob)

قبل از تفسیر نتایج جدول ۴-۲ ذکر این نکته قابل توجه است که در آزمون ریشه واحد، فرض صفر بیانگر نامانایی متغیرها است. در این صورت چنانچه مقدار p کمتر از سطح معناداری $0/05$ باشد فرض صفر رد خواهد شد. به این ترتیب نتایج حاصل از آزمون مانایی برای داده‌های ترکیبی (پانل) در جدول ۴-۲ نشان از مانا بودن تمام متغیرهای مورد مطالعه است.

جدول ۳- نتایج آزمون جارکویرا

نام متغیر	تعداد	آماره	سطح معناداری
مدل اول	۹۳۱	۱۷/۸۱۰	۰/۰۰۰
مدل دوم	۹۳۱	۱۵/۲۵۸	۰/۰۰۰
مدل سوم	۹۳۱	۱۷/۷۸۰	۰/۰۰۰
مدل سوم	۹۳۱	۱۵/۸۰۲	۰/۰۰۰

جدول ۴- آزمون همبستگی سریالی LM

نام متغیر	نوع آماره	احتمال آماره	سطح معناداری
مدل اول	F(۲,۹۲۴)	۳۹/۵۱۴	۰/۰۰۰۰
مدل دوم	F(۲,۹۲۴)	۴۰/۱۴۳	۰/۰۰۰۰
مدل سوم	F(۲,۹۲۴)	۳۸/۶۹۳	۰/۰۰۰۰
مدل چهارم	F(۲,۹۱۸)	۳۷/۶۰۷	۰/۰۰۰۰

با توجه به جدول مشاهده می‌شود چهار تا مدل پژوهش مشکل وجود همبستگی جمله خطا وجود دارد که در هنگام تخمین مدل باید این مشکل در چهار تا مدل رفع شود.

جدول ۵- آزمون بروش-پاگان-گودفری

نام متغیر	نوع آماره	احتمال آماره	سطح معناداری	نتیجه
مدل اول	F(۴,۹۲۶)	۲/۷۷۷	۰/۰۲۶	GLS
مدل دوم	F(۴,۹۲۶)	۲/۸۶۰	۰/۰۲۳	GLS
مدل سوم	F(۴,۹۲۶)	۲/۳۱۶	۰/۰۵۶	OLS
مدل چهارم	F(۱۰,۹۲۰)	۲/۷۰۴	۰/۰۰۳	GLS

در این آزمون فرض بر ناهمسانی واریانس باقیمانده‌ها است که با توجه به جدول فوق و معنادار بودن مدل‌های اول، دوم و چهارم پژوهش، فرضیه ما مبنی بر وجود همسانی واریانس در مدل‌های اول، دوم و چهارم پژوهش پذیرفته نمی‌شود، الگو در این سه مدل دارای ناهمسانی واریانس می‌باشد و نمی‌توان از رگرسیون خطی استفاده نمود و نیاز به استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) است. ولی با توجه به جدول فوق و معنادار نبودن مدل سوم پژوهش، فرضیه ما مبنی بر وجود همسانی واریانس در مدل سوم پژوهش پذیرفته می‌شود، الگو در این مدل دارای

همسانی واریانس می‌باشد و می‌توان از رگرسیون خطی استفاده نمود و نیاز به استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) نیست.

جدول ۶- نتایج حاصل از آزمون عدم وجود هم خطی بین جملات توضیحی در مدل اول پژوهش

متغیر	نماد	واریانس ضریب	عامل تورم واریانس
ضریب ثابت	C	۰,۹۹۸۲۲۱۷۵	۱,۰۰۱۷۸۱۴۲
پاداش مدیرعامل	CEOCom	۰,۹۹۶۶۸۱۲۳	۱,۰۰۳۳۲۹۸۲
اهرم مالی	LEV	۰,۹۹۸۴۴۵۵۳	۱,۰۰۱۵۵۶۸۹
بازده حقوق صاحبان سهام	ROE	۰,۹۹۸۰۵۱۶۵	۱,۰۰۱۹۵۲۱۶
سن شرکت	AGE	۰,۹۹۸۲۲۱۷۵	۱,۰۰۱۷۸۱۴۲

جدول ۷- نتایج حاصل از آزمون عدم وجود هم خطی بین جملات توضیحی در مدل دوم پژوهش

متغیر	نماد	واریانس ضریب	عامل تورم واریانس
ضریب ثابت	C	۰,۹۶۷۹۲۶۳۷	۱,۰۳۳۱۳۶۴۴
حق الزحمه حسابرسی	AFEE	۰,۹۶۸۳۹۴۵۹	۱,۰۳۲۶۳۶۹۱
اهرم مالی	LEV	۰,۹۹۸۳۹۳۷۰	۱,۰۰۱۶۰۸۸۸
بازده حقوق صاحبان سهام	ROE	۰,۹۹۶۷۷۶۹۰	۱,۰۰۳۲۳۳۵۲
سن شرکت	AGE	۰,۹۶۷۹۲۶۳۷	۱,۰۳۳۱۳۶۴۴

جدول ۸- نتایج حاصل از آزمون عدم وجود هم خطی بین جملات توضیحی در مدل سوم پژوهش

متغیر	نماد	واریانس ضریب	عامل تورم واریانس
ضریب ثابت	C	۰,۹۹۴۰۲۹۴۴	۱,۰۰۶۰۰۶۴۲
تخصص هیئت مدیره	BEX	۰,۹۹۶۸۰۶۵۷	۱,۰۰۳۲۰۳۶۶
اهرم مالی	LEV	۰,۹۹۹۰۷۸۳۵	۱,۰۰۰۹۲۲۵۰
بازده حقوق صاحبان سهام	ROE	۰,۹۹۳۲۰۱۷۷	۱,۰۰۶۸۴۴۷۶
سن شرکت	AGE	۰,۹۹۴۰۲۹۴۴	۱,۰۰۶۰۰۶۴۲

جدول ۹- نتایج حاصل از آزمون عدم وجود هم خطی بین جملات توضیحی در مدل چهارم پژوهش

متغیر	نماد	واریانس ضریب	عامل تورم واریانس
ضریب ثابت	C	۰,۸۱۱۹۳۲۲۱	۱,۲۳۱۶۲۹۹۲
پاداش مدیرعامل	CEOCm	۰,۷۴۰۶۸۳۵۹	۱,۳۵۰۱۰۴۱۷
حق الزحمه حسابرسی	AFEE	۰,۸۱۶۶۹۹۰۱	۱,۲۲۴۴۴۱۳۰
تخصص هیئت مدیره	BEX	۰,۰۰۹۲۱۹۴۹	۲,۰۸۴۶۵۹۱۹
رشد فروش	Growth	۰,۲۸۰۸۹۲۰۳	۳,۵۶۰۰۸۶۷۶
پاداش مدیرعامل*رشد فروش	CEOCm* Growth	۰,۰۰۹۵۰۸۰۴	۲,۰۵۱۷۴۱۹۶
حق الزحمه حسابرسی*رشد فروش	AFEE* Growth	۰,۵۲۴۲۳۴۹۲	۱,۹۰۷۵۴۱۷۴
تخصص هیئت مدیره*رشد فروش	BEX* Growth	۰,۹۵۲۹۴۴۷۲	۱,۰۴۹۳۷۸۸۱
اهرم مالی	LEV	۰,۹۸۴۵۳۳۵۶	۱,۰۱۵۷۰۹۴۰
بازده حقوق صاحبان سهام	ROE	۰,۹۹۰۳۱۵۳۰	۱,۰۰۹۷۷۹۴۱
سن شرکت	AGE	۰,۸۱۱۹۳۲۲۱	۱,۲۳۱۶۲۹۹۲

این فرض مدل کلاسیک رگرسیون خطی بیان میدارد که بین جملات باقیمانده رگرسیون، همبستگی وجود نداشته باشد. برای بررسی استقلال باقیمانده ها از آماره دورین واتسون استفاده شده است. اگر مقدار آماره دورین واتسون نزدیک به عدد دو باشد، استقلال باقیمانده ها پذیرفته می شود؛ اما اگر این آماره خارج از محدوده مجاز (۲/۵، ۱/۵) باشد. به منظور رفع خودهمبستگی از تکنیک تأخیر (وقفه) زمانی مرتبه اول $AR(1)$ استفاده می شود. نتایج تخمین مدل های پژوهش نشان می دهد، میزان این آماره در مدل در محدوده مجاز خود قرار دارند و لذا دلیلی برای رد عدم وجود خودهمبستگی بین جملات باقیمانده وجود ندارد. به عبارت دیگر، فرض عدم وجود خودهمبستگی جزء خطا در مدل های مورد استفاده در پژوهش برقرار است.

جدول ۱۰- نتایج حاصل از آزمون عدم وجود خودهمبستگی جزء خطا

مدل پژوهش	نوع آماره	مقدار آماره
مدل اول پژوهش	دورین-واتسون	۲/۰۶۵
مدل دوم پژوهش	دورین-واتسون	۲/۰۲۱
مدل سوم پژوهش	دورین-واتسون	۲/۰۶۳
مدل چهارم پژوهش	دورین-واتسون	۲/۰۰۷

جدول ۱۱ - همبستگی بین متغیرهای مدل پژوهش

متغیرهای تحقیق	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)	(۷)	(۸)
مدیریت سود	۱							

پاداش مدیرعامل	-۰,۰۰۶۰۲	۱						
	۰,۰۰۶۶۲	-----						
حق الزحمه	۰,۰۲۵۰۲	-۰,۰۰۶۲۶	۱					
حسابرسی	۰,۰۰۰۰۰	۰,۰۰۵۶۲	-----					
تخصیص هیئت مدیره	-۰,۰۰۶۶۶	۰,۰۱۳۲۵	-۰,۰۰۰۳۳	۱				
	۰,۰۰۴۲۱	۰,۰۰۰۰۱	۰,۰۹۱۹۲	-----				
رشد فروش	۰,۰۲۰۳۲	-۰,۰۰۰۷۷	-۰,۰۰۳۴۶	-۰,۰۰۶۷۶	۱			
	۰,۰۰۰۰۰	۰,۰۸۱۵۴	۰,۰۲۹۲۱	۰,۰۰۳۹۱	-----			
اهرم مالی	-۰,۰۳۰۸۸	-۰,۰۰۳۰۶	۰,۰۱۷۳۲	۰,۰۰۳۰۲	-	۱		
	۰,۰۰۰۰۰	۰,۰۳۵۰۴	۰,۰۰۰۰۰	۰,۰۳۵۶۹	۰,۰۰۵۲۴	-----		
بازده حقوق صاحبان	۰,۰۰۰۷۳	۰,۰۰۲۶۹	-۰,۰۰۳۱۱	-۰,۰۰۰۷۵	۰,۰۰۷۴۸	-۰,۰۰۲۷۵	۱	
سهام	۰,۰۸۲۴۸	۰,۰۴۱۱۹	۰,۰۳۴۲۶	۰,۰۸۱۹۷	۰,۰۰۲۲۴	۰,۰۴۰۱۸	-----	
سن شرکت	۰,۰۱۰۰۲	-۰,۰۰۱۳۶	۰,۰۰۴۴۱	۰,۰۰۷۱۹	-	۰,۰۰۴۱	۰,۰۰۰۹۴	۱
	۰,۰۰۰۲۲	۰,۰۶۷۹۲	۰,۰۱۷۸۸	۰,۰۰۲۸۲	۰,۰۴۷۵۳	۰,۰۲۱۱۵	۰,۰۷۷۵۷	-----

جدول ۱۲ - نتایج آزمون F لیمر برای مدل اول

آماره آزمون	درجه آزادی	مقدار p	نتیجه
۳/۰۰۵	(۱۳۲،۷۹۴)	۰/۰۰۰	استفاده از داده‌های تابلویی
۳/۰۱۱	(۱۳۲،۷۹۴)	۰/۰۰۰۲	استفاده از داده‌های تابلویی
۳/۰۰۱	(۱۳۲،۷۹۴)	۰/۰۰۰۰	استفاده از داده‌های تابلویی
۲/۹۵۹	(۱۳۲،۷۸۸)	۰/۰۰۰۰	استفاده از داده‌های تابلویی

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود فرض صفر مبنی بر برابری همه اثرات خاص شرکت‌ها در مورد مدل‌ها رد می‌شود ($p < 0/05$). این بدان معنی است که نمی‌توان مدل‌ها را با روی هم ریختن داده‌های مربوط به شرکت‌های مورد مطالعه و به روش Pooling تخمین زد بلکه باید از روش داده‌های پانل استفاده کرد. به عبارتی کارآمدی برآورد مدل با استفاده از داده‌های پانل برای ۱۳۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مشخص می‌شود.

جدول ۱۳- نتایج آزمون هاسمن برای مدل اول

نتیجه	مقدار p	درجه آزادی	آماره آزمون
استفاده از مدل اثرات ثابت	۰/۰۲۹	۴	۱۰/۷۸۴
استفاده از مدل اثرات تصادفی	۰/۱۴۱	۴	۶/۹۱۰
استفاده از مدل اثرات تصادفی	۰/۰۵۰	۶	۹/۴۸۷
استفاده از مدل اثرات تصادفی	۰/۱۴۵	۶	۱۴/۶۶۶

همان گونه که در جدول فوق مشاهده می شود فرض صفر کارا تر بودن مدل اثرات تصادفی برای شرکت های مورد مطالعه رد نمی شود ($p > 0/05$). به عبارتی نتایج بیانگر تائید اثرات تصادفی در برابر اثرات ثابت است بنابراین مدل ها برای ۱۳۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران باید به صورت اثرات تصادفی تخمین زده می شود.
مدل اول پژوهش: پاداش مدیرعامل بر مدیریت سود تاثیر معناداری دارد.

جدول ۱۴- نتایج بررسی ضرایب جزئی (مدل اول) با روش ثابت با توجه به ناهمسانی

متغیر وابسته: مدیریت سود، تعداد دوره: ۱۰، تعداد تقاطع: ۱۳۳، تعداد ترکیب موزون: ۹۳۱					
$ACC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CEOCom_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 ROE_{it} + \beta_4 AGE_{i,t} + \varepsilon_{it}$					
متغیرها	نماد	ضرایب	آماره t	احتمال	نتیجه
ضریب ثابت	C	-۰,۱۰۸۱	-۳,۵۲۱	۰,۰۰۰۵	معنادار
پاداش مدیرعامل	CEOCom	۰,۰۰۱۶	۱,۲۸۷۳	۰,۱۹۸۴	عدم تایید
اهرم مالی	LEV	-۰,۰۰۱۲	-۲,۱۳۵۸	۰,۰۳۳۲	معنادار
بازده حقوق صاحبان سهام	ROE	۰,۰۰۱۱	۰,۲۱۰۹	۰,۸۳۳	عدم تایید
سن شرکت	AGE	۰,۰۰۲۶۷	۳,۳۶۹۷	۰,۰۰۰۸	معنادار
آماره دورین - واتسون	۲/۰۶۵			۰/۰۰۰	
آماره F	۷/۷۵۰				
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۳۷				
ضریب تعیین	۰/۶۲۷				

مدل دوم پژوهش: حق الزحمه حسابرسی بر مدیریت سود تاثیر معناداری دارد.

جدول ۱۵- نتایج بررسی ضرایب جزئی (مدل دوم) با روش تصادفی با توجه به همسانی

متغیر وابسته: مدیریت سود، تعداد دوره: ۷، تعداد تقاطع: ۱۳۳، تعداد ترکیب موزون: ۹۳۱

$$ACC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 AFEE_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 ROE_{it} + \beta_4 AGE_{i,t} + \varepsilon_{it}$$

نتیجه	احتمال	آماره t	ضرایب	نماد	متغیرها
معنادار	۰,۰۰۸	-۲,۶۶۰۱	-۰,۶۹۹۶	C	ضریب ثابت
معنادار	۰,۰۳۱۸	۲,۱۵۰۶	۰,۰۰۵۹	AFEE	حق الزحمه حسابرسی
معنادار	۰,۰۱۳۴	-۲,۴۷۹۵	-۰,۰۲۸۵	LEV	اهرم مالی
عدم تایید	۰,۴۶۳۳	۰,۷۳۳۹	۰,۰۰۶۲	ROE	بازده حقوق صاحبان سهام
معنادار	۰,۰۰۷۳	۲,۶۹۲۸	۰,۲۰۸۳	AGE	سن شرکت
	۰/۰۰۰			۲/۰۲۱	آماره دورین - واتسون
				۸/۷۴۲	آماره F
				۰/۶۳۰	ضریب تعیین تعدیل شده
				۰/۷۶۸	ضریب تعیین

مدل سوم پژوهش: تخصص هیئت مدیره بر مدیریت سود تاثیر معناداری دارد.

جدول ۱۶- نتایج بررسی ضرایب جزئی (مدل سوم) با روش ثابت با توجه به ناهمسانی

متغیر وابسته: مدیریت سود، تعداد دوره: ۷، تعداد تقاطع: ۱۳۳، تعداد ترکیب موزون: ۹۳۱

$$ACC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 BEX_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 ROE_{it} + \beta_4 AGE_{i,t} + \varepsilon_{it}$$

نتیجه	احتمال	آماره t	ضرایب	نماد	متغیرها
معنادار	۰,۰۴۶۹	-۱,۹۹۰۵	-۰,۳۴۹۲	C	ضریب ثابت
معنادار	۰,۰۱۱۱	۲,۵۴۷۷	۰,۰۱۳۶	BEX	تخصص هیئت مدیره
معنادار	۰,۰۰۰۰	-۴,۹۴۱۲	-۰,۰۷۲۵	LEV	اهرم مالی
عدم تایید	۰,۹۳۰۴	۰,۰۸۷۴	۰,۰۰۰۵	ROE	بازده حقوق صاحبان سهام
معنادار	۰,۰۴۲۳	۲,۰۳۴۱	۰,۰۹۶۷	AGE	سن شرکت
	۰/۰۰۰			۲/۰۶۳	آماره دورین - واتسون
				۸/۱۶۰	آماره F
				۰/۵۵۲	ضریب تعیین تعدیل شده
				۰/۶۲۹	ضریب تعیین

منبع: یافته‌های پژوهشگر

مدل چهارم پژوهش

پاداش مدیرعامل، حق الزحمه حسابرسی و تخصص هیات مدیره بر مدیریت سود با توجه به نقش تعدیل کننده رشد فروش تاثیر معناداری دارد.

جدول ۱۷- نتایج بررسی ضرایب جزئی (مدل چهارم) با روش تصادفی با توجه به همسانی

متغیر وابسته: مدیریت سود، تعداد دوره: ۷، تعداد تقاطع: ۱۳۳، تعداد ترکیب موزون: ۹۳۱

$$ACC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CEOCOM_{it} + \beta_2 AFEE_{it} + \beta_3 BEX_{it} + \beta_4 Growth_{it} + \beta_5 CEOCOM_{it} * Growth_{it} + \beta_6 AFEE_{it} * Growth_{it} + \beta_7 BEX_{it} * Growth_{it} + \beta_8 LEV_{it} + \beta_9 ROE_{it} + \beta_{10} AGE_{i,t} + \varepsilon_{it}$$

نتیجه	احتمال	آماره t	ضرایب	نماد	متغیرها
معنادار	۰,۰۳۳۳	-۲,۱۳۲۷	-۰,۱۱۲	C	ضریب ثابت
عدم تایید	۰,۷۸۰۲	-۰,۲۷۹۲	-۰,۰۰۰۴	CEOCom	پاداش مدیرعامل
معنادار	۰,۰۰۰۱	۳,۸۸۳۳	۰,۰۳۰۸	AFEE	حق الزحمه حسابرسی
معنادار	۰,۰۴۴۲	۲,۰۱۵۹	۰,۰۱۷۶	BEX	تخصص هیات مدیره
معنادار	۰,۰۲۶۷	۲,۲۲۰۴	۰,۰۸۴۱	Growth	رشد فروش
عدم تایید	۰,۹۶۶۱	۰,۰۴۲۶	۰,۰۰۰۱	CEOCom* Growth	پاداش مدیرعامل*رشد فروش
معنادار	۰,۰۰۵۳	۲,۰۸	۰,۰۰۵۷	AFEE* Growth	حق الزحمه حسابرسی*رشد فروش
معنادار	۰,۰۲۲	۲,۲۹۶۶	۰,۰۱۳۲	BEX* Growth	تخصص هیات مدیره*رشد فروش
معنادار	۰,۰۱۸۱	-۲,۳۶۷۶	-۰,۰۱۴۶	LEV	اهرم مالی
عدم تایید	۰,۸۲۳۸	۰,۲۲۲۸	۰,۰۰۲۱	ROE	بازده حقوق صاحبان سهام
معنادار	۰,۰۱۰۱	۲,۵۸۰۱	۰,۰۲۹۶	AGE	سن شرکت
	۰/۰۰۰			۲/۰۰۷	آماره دورین - واتسون
				۹/۴۵۵	آماره F
				۰/۵۰۴	ضریب تعیین تعدیل شده
				۰/۶۱۷	ضریب تعیین

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر پاداش مدیرعامل، تخصص هیات مدیره و حق الزحمه حسابرسی بر مدیریت سود با توجه به نقش تعدیل کننده رشد فروش در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران صورت گرفته است. روش پژوهش، توصیفی همبستگی با رویکرد کاربردی می باشد. جامعه آماری تحقیق حاضر که از ابتدای سال ۱۳۹۴ تا پایان سال ۱۴۰۰ مورد بررسی قرار گرفته اند عبارت است از تمام شرکتهای غیرمالی لیست شده که در بورس تهران

قرار داشتند، در این تحقیق از روش نمونه‌گیری حذف سیستماتیک استفاده شده است. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار Excel و Eviews12 استفاده شده است. در این پژوهش از آزمون کلوموگراف اسمیرنوف جهت مشخص کردن نرمال یا غیرنرمال بودن داده‌ها استفاده شد؛ که با توجه به نرمال بودن داده‌ها و با توجه به آزمون F لیمر و هاسمن مدل دارای پائل دیتا به روش اثرات تصادفی تخمین زده شدند و همچنین دو مدل دارای ناهمسانی واریانس و همچنین خودهمبستگی سریالی می‌باشند. در ادامه به گزارش نتایج و یافته‌های پژوهش پرداخته می‌شود. فرضیه ۱: پاداش مدیرعامل بر مدیریت سود تأثیر معناداری دارد.

با توجه به مقدار ضریب رگرسیونی پاداش مدیرعامل می‌توان نتیجه گرفت پاداش مدیرعامل با مدیریت سود، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری ندارد ($p > 0/05$). فرضیه اول مورد تایید نمی‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵٪ مقادیر t برای تمام متغیرها به جزء بازده حقوق صاحبان سهام در ناحیه رد فرض صفر قرار می‌گیرد یعنی به جزء متغیر نام برده بقیه متغیرها در مدل معنی‌دار هستند. نتایج حاصل از متغیرهای کنترلی نشان می‌دهد که اهرم مالی تأثیر منفی و معناداری بر مدیریت سود دارند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که سن شرکت تأثیر مثبت و معناداری بر مدیریت سود دارد. سازمان برای جبران عملکرد بالای فرد و وقت و نیرویی که او به خاطر نیل به اهداف سازمان صرف می‌کند به فرد پاداش می‌دهد. وقتی که انجام وظایف در سطحی بالاتر از استانداردهای عادی کاری است از پاداش به عنوان مزایای فوق‌العاده استفاده می‌شود. سیستم پاداش در سازمان، هم رفتار و هم عملکرد برجسته را مد نظر قرار می‌دهد. نتایج پژوهش با پژوهش‌های ال کوثر و همکاران (۱۴۰۰)، فاضلی و نیاکان (۱۴۰۰) و مهندرا و همکاران (۲۰۲۲) همسو می‌باشد.

فرضیه ۲: حق الزحمه حسابرسی بر مدیریت سود تأثیر معناداری دارد. با توجه به مقدار مثبت ضریب رگرسیونی حق الزحمه حسابرسی می‌توان نتیجه گرفت حق الزحمه حسابرسی با پاداش مدیرعامل، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مثبت (مستقیم) معناداری دارد ($p < 0/05$). فرضیه دوم مورد تایید است. نتایج نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵٪ مقادیر t برای تمام متغیرها به جزء بازده حقوق صاحبان سهام در ناحیه رد فرض صفر قرار می‌گیرد یعنی به جزء متغیر نام برده بقیه متغیرها در مدل معنی‌دار هستند. نتایج حاصل از متغیرهای کنترلی نشان می‌دهد که اهرم مالی تأثیر منفی و معناداری بر مدیریت سود دارند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که سن شرکت تأثیر مثبت و معناداری بر مدیریت سود دارد. منافع اقتصادی حسابرس از طریق حق الزحمه ای تامین می‌شود که از انعقاد قرار داد با صاحبکاران عاید می‌شود. حسابرسان جهت قیمت گذاری خدمات حسابرسی از عوامل گوناگونی استفاده می‌کنند و تحقیقات زیادی نیز در رابطه با شناسایی و ارزیابی این عوامل انجام شده است. عوامل توصیفی که در اغلب پژوهشها، مدنظر قرار گرفته اند، شامل عوامل ریسک، حجم و پیچیدگی عملیات واحد مورد رسیدگی بوده است. در این خصوص دفاند (۲۰۰۰) عنوان نموده که مدل‌های به دست آمده شامل این عوامل، قدرت توصیفی بالایی دارند و از طریق نمونه‌ها، کشورها و دوره‌های زمانی تقویت شده‌اند. پژوهشهای انجام شده در کشورهای گوناگون که سعی در بررسی عوامل اثرگذار بر نحوه قیمت گذاری خدمات حسابرسی داشته‌اند، متغیرهای مستقل متفاوتی را به عنوان عوامل اثرگذار حق الزحمه حسابرسی ارائه کرده‌اند. درباره میزان و ماهیت حق الزحمه حسابرسی مطالعات زیادی انجام شده است. بیشتر تحقیقات قبلی حق الزحمه حسابرسی براساس مدل نظری که حق الزحمه حسابرسی به عنوان یک فعالیتی که برحسب تعداد ساعت حسابرسی و قیمت هر ساعت است، توضیح

دادند. حق الزحمه حسابرسی به اندازه و پیچیدگی شرکت و بعلاوه ریسک حسابرسی وابسته است. نتایج پژوهش با پژوهش های خانی و همکاران (۱۳۹۹) و خوشکار و همکاران (۱۳۹۸) و هسیه و همکاران (۲۰۲۰) همسو می باشد. فرضیه ۳: تخصص هیئت مدیره بر مدیریت سود تاثیر معناداری دارد.

با توجه به مقدار مثبت ضریب رگرسیونی تخصص هیئت مدیره می توان نتیجه گرفت تخصص هیئت مدیره با مدیریت سود، شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مثبت (مستقیم) معناداری دارد ($p < 0/05$). فرضیه سوم مورد تایید است. نتایج نشان می دهد که در سطح اطمینان ۹۵٪ مقادیر t برای تمام متغیرها به جزء بازده حقوق صاحبان سهام در ناحیه رد فرض صفر قرار می گیرد یعنی به جزء متغیر نام برده بقیه متغیرها در مدل معنی دار هستند. نتایج حاصل از متغیرهای کنترلی نشان می دهد که اهرم مالی تأثیر منفی و معناداری بر مدیریت سود دارند. همچنین نتایج نشان می دهد که سن شرکت تأثیر مثبت و معناداری بر مدیریت سود دارد. بازار بورس اوراق بهادار به طور واضح محیطی است که مستلزم دانش و تخصص مالی برای اخذ تصمیمات سرمایه گذاری است. وقتی مدیر شناخت خوبی از لحاظ ادبیات، مالی راهبردهای سرمایه گذاری و نتایج ضمنی راهبردهای تأمین مالی دارد احتمال اینکه رفتاری ناعقلانی داشته باشد میتواند کاهش یابد برخلاف این، مدیری که تخصص غیرمالی دارد ممکن است حساسیت سرمایه گذاری جریان نقدی را افزایش دهد. علتش آن است که وی فاقد روحیه مالی است. نتایج پژوهش با پژوهش های فاضلی و نیاکان (۱۴۰۰)، مزرایی نوده و همکاران (۱۴۰۰)، بوازیز و همکاران (۲۰۲۰) همسو می باشد.

فرضیه ۴: پاداش مدیرعامل، حق الزحمه حسابرسی و تخصص هیئت مدیره بر مدیریت سود با توجه به نقش تعدیل کننده رشد فروش تاثیر معناداری دارد. با توجه به مقدار مثبت ضریب رگرسیونی رشد فروش می توان نتیجه گرفت رشد فروش با مدیریت سود، شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مثبت (مستقیم) معناداری دارد ($p < 0/05$). نتایج جدول ۴-۲۴ نشان می دهد که ضریب متغیر پاداش مدیرعامل بر مدیریت سود با توجه به متغیر تعدیل کننده رشد فروش برای شرکت های مورد مطالعه معنادار نیست ($p > 0/05$)؛ بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد نشده و با توجه به مقدار ضریب رگرسیون حق الزحمه حسابرسی* رشد فروش می توان نتیجه گرفت که حق الزحمه حسابرسی با مدیریت سود با توجه به متغیر تعدیل کننده رشد فروش در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری ندارد. نتایج جدول بالا نشان می دهد که ضریب متغیر حق الزحمه حسابرسی بر مدیریت سود با توجه به متغیر تعدیل کننده رشد فروش برای شرکت های مورد مطالعه معنادار است ($p < 0/05$)؛ بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد شده و با توجه به مقدار ضریب رگرسیون حق الزحمه حسابرسی* رشد فروش می توان نتیجه گرفت که حق الزحمه حسابرسی با مدیریت سود با توجه به متغیر تعدیل کننده رشد فروش در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مثبت (مستقیم) معناداری دارد. همچنین نتایج نشان می دهد که ضریب متغیر تخصص هیئت مدیره بر مدیریت سود با توجه به متغیر تعدیل کننده رشد فروش برای شرکت های مورد مطالعه معنادار است ($p < 0/05$)؛ بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد شده و با توجه به مقدار مثبت ضریب رگرسیون تخصص هیئت مدیره* رشد فروش می توان نتیجه گرفت که تخصص هیئت مدیره با مدیریت سود با توجه به متغیر تعدیل کننده رشد فروش در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مثبت (مستقیم) معناداری دارد.

بنابراین فرضیه چهارم مورد تایید می‌باشد.

نتایج نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵٪ مقادیر t برای تمام متغیرها به جزء بازده حقوق صاحبان سهام در ناحیه رد فرض صفر قرار می‌گیرد یعنی به جزء متغیر نام برده بقیه متغیرها در مدل معنی‌دار هستند. نتایج حاصل از متغیرهای کنترلی نشان می‌دهد که اهرم مالی تأثیر منفی و معناداری بر مدیریت سود دارند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که سن شرکت تأثیر مثبت و معناداری بر مدیریت سود دارد. دی (۱۹۸۸) بیان می‌کند که مدیریت سود معمولاً از استفاده مدیران از مزایای عدم تقارن اطلاعاتی ناشی می‌شود. وی حداقل دوساله مهم را مطرح نموده است. اولاً، برای افزایش پاداش مدیران که توسط سرمایه‌گذاران تأمین می‌شود، سود دستکاری می‌شود و ثانیاً، سرمایه‌گذاران بالفعل تمایل دارند که بازار برداشت بهتری از ارزش شرکت داشته باشد؛ بنابراین، انتقال ثروت بالقوه از سرمایه‌گذاران جدید به سرمایه‌گذاران قدیمی که ایجادکننده یک تقاضای داخلی برای مدیریت سود هستند، به وجود می‌آید. هموارسازی سود نوعی عمل آگاهانه است که توسط مدیریت و با استفاده از ابزارهای خاصی در حسابداری جهت کاستن از نوسانات در سود انجام می‌گیرد. به گفته لئوپولد. ای.بی. "هموارسازی سود بیشتر عملی سفسطه آمیز و موذیانانه است. به ندرت بر اساس دروغ‌های آشکار انجام می‌گیرد، زیرا هموارسازی سود بیشتر در اثر تعبیر و تفسیر به دست آمده از اصول و استانداردهای پذیرفته شده حسابداری حاصل می‌گردد. به بیان دیگر هموارسازی سود در محدوده اصول و استانداردهای پذیرفته شده حسابداری صورت می‌پذیرد." نتایج پژوهش با پژوهش‌های ال کوثر و همکاران (۱۴۰۰)، فاضلی و نیاکان (۱۴۰۰) و مهندرا و همکاران (۲۰۲۲) همسو می‌باشد.

بیان محدودیت‌های تحقیق باعث جلوگیری از برداشت‌های غلط و قضاوت‌های نادرست می‌شود. لذا، محدودیت‌های این تحقیق به شرح زیر می‌باشد:

۱- یکی از محدودیت‌های این تحقیق، عدم امکان دسترسی به اطلاعات دقیق در مورد ترکیب مالکیت شرکت هاست. یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی دربرگیرنده ترکیب سهامداران شرکت هاست که این اطلاعات معمولاً سلیقه‌ای و به شکلی ناهماهنگ ارائه می‌شود. سایر سهامداران، یک گروه و عنوان کلی است که اشخاص حقوقی و حقیقی نامتجانس در آن جای گرفته‌اند. شرکت‌ها، صندوق‌های بازنشستگی و اشخاص حقیقی در گروه سایر سهامداران قرار گرفته‌اند که به لحاظ ماهیت و کارکرد بسیار متفاوت می‌باشند. در صورت دستیابی به اطلاعات دقیق‌تر، امکان دستیابی به نتایج متفاوت وجود دارد.

۲- در این پژوهش برای بررسی سطح افشای اطلاعات شرکت‌ها تنها بر روی یکی از اشکال افشا (گزارشات سالانه و امتیازهای متعلقه توسط بورس) بررسی انجام شد، درحالی‌که شرکت‌ها از طریق سایر مجراهای دیگر ارائه اطلاعات مانند رسانه‌ها، وبسایت‌ها و مطبوعات نیز اقدام به افشای اطلاعات می‌کنند.

هر علمی در پرتو پژوهش‌های منسجمی است که به صورت علمی و هدفمند انجام می‌شود. با افزایش حیطه‌ی پژوهش‌ها و بهبود روش‌های پژوهش در علوم، این امید وجود دارد که هرچه بهتر و بیشتر توسعه‌ی علوم مختلف شکل گیرد و راحتی و آسایش بیشتری عاید جوامع بشری شود. در طی انجام پژوهش، با بررسی منابع اطلاعاتی در ارتباط با موضوع پژوهش و با توجه به نتایج و دستاوردهای پژوهش حاضر پیشنهادهایی مورد توجه قرار گرفته که به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته‌ی اول، پیشنهادهای مبتنی بر نتایج و دسته دوم پیشنهادهای کاربردی و دسته‌ی سوم پیشنهادهایی برای تحقیق‌های آینده می‌باشد.

- ۱- با توجه به اینکه بین فرضیه اول لذا به سهامداران و تحلیلگران پیشنهاد می شود تا هنگام سرمایه گذاری و تصمیم گیری علاوه به میزان مدیریت سود شرکت ها به پاداش مدیران نیز توجه نمایند.
- ۲- لذا به سرمایه گذاران و سایر اشخاص ذینفع توصیه می شود که به اعتبار موسسه حسابرسی توجه بیشتری نمایند .
- ۳- با توجه به نتایج فرضیه سوم پیشنهاد میشود سرمایه گذاران و سایر استفاده کنندگان از صورتهای مالی به این موضوع توجه داشته باشند و در هنگام اخذ تصمیمات مبتنی بر صورتهای مالی به تخصص هیئت مدیره به عنوان شاخصی که می تواند محافظه کاری و مدیریت سود و به صورت کلی تر کیفیت گزارشگری مالی را تحت تاثیر قرار دهد، توجه نمایند.
- ۴- نتایج به دست آمده حاکی از این است که در بازار اوراق بهادار تهران، فاکتورهای اقتصادی ارزیابی عملکرد شرکتهای در تعیین پاداش مدیران حایز اهمیت است که این امر باعث میشود مدیران توجه خود را به شرکت و در جهت منافع سرمایه گذاران معطوف کنند. بنابراین، توصیه میشود برای تعیین میزان پاداش مدیران از طرحهای انگیزشی مبتنی بر ارزش افزوده استفاده شود تا توجه مدیریت به کاهش هزینه سرمایه شرکت، افزایش نرخ بازده داراییها و همچنین پذیرفتن اجرای پروژه هایی که نرخ بازدهی بیشتر از هزینه سرمایه ایجاد می کنند، جلب شود.
- در حوزه پژوهشی به محققان آتی پیشنهاد می شود که در موضوعات زیر به پژوهش پردازند.
- تأثیر مدیریت سود بر رابطه بین ساختار سرمایه، سود تقسیمی و ساختار مالکیت با تنوع شرکت.
- تأثیر پاداش هیئت مدیره، حق الزحمه حسابرسی و مدیریت سود تعهدی بر افزایش تنوع صنعت.
- رابطه تخصص هیئت مدیره، حق الزحمه حسابرسی و عملکرد با استفاده از رویکرد تحلیل پوششی داده ها (DEA) با استفاده از نرم افزار DEAP
- تأثیر حق الزحمه حسابرسی و پاداش هیئت مدیره بر بقای شرکت ها و افزایش سود واقعی.
- بررسی نقش تعدیل کنندگی مدیریت سود بر رابطه بین حق الزحمه حسابرسی و عملکرد مالی شرکت ها.
- بررسی تأثیر حق الزحمه حسابرسی و تخصص هیئت مدیره بر عملکرد مالی شرکت با مداخله گری تنوع صنعت.

منابع و مآخذ

- حاجی ها. ز، قصاب ماهر. ت. (۱۳۹۶)، رابطه بین پاداش مدیران ارشد و مدیریت سود با هدف دستیابی به آستانه های سود. اولین کنفرانس ملی نقش حسابداری، اقتصاد و مدیریت
- حسینی نیا. ش، امیری دوماری. ف. (۱۳۹۷)، اثر پاداشهای مدیریتی بر مدیریت سود واقعی و مدیریت سود بر مبنای ارقام تعهدی در شرکت های پذیرفته شده در بورس. پنجمین کمفرانس ملی پژوهشهای کاربردی در مدیریت و حسابداری
- خانی. ذ، رجب دری، ح. (۱۳۹۹)، رابطه کیفیت حسابرسی (اندازه موسسه حسابرسی، تخصص حسابرسی در صنعت و دوره تصدی حسابرسی) و حق الزحمه غیرعادی حسابرسی با اظهارنظر حسابرسی نسبت به تداوم فعالیت، دانش حسابداری، شماره ۷۹، صفحات ۲۴۱ تا ۲۵۸.
- خوشکار. ف، جدیری. م. (۱۳۹۸)، بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرسی و دانش مالی اعضای هیئتمدیره با حق الزحمه حسابرسی، فصلنامه علمی تخصصی پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی سال سوم، شماره ۴ (پیاپی ۹)، جلد دو، صفحه ۱ تا ۱۰

لاری دشت بیاض، م، اورادی، ج. (۱۳۹۶) بررسی رابطه بین دوره تصدی و دانش مالی مدیر عامل با حقالزحمه حسابرسی، مجله بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۸۲، شماره ۳، صص ۲۳-۳۵

مزرایی نوده. ح، عبدلی. م، قزل سوفلو. م. (۱۴۰۰)، بررسی تاثیر مکانیزم حاکمیت شرکتی بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود، رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، شماره ۷۵، جلد دوم، صفحه ۷۱ تا ۹۱.

- Balsam, S., (1998). Discretionary accounting choices and CEO compensation. *Contemp. Account. Res.* 15 (3), 229–252.
- Beneish, M., Vargus, M., (2002). Insider trading, earnings quality, and accrual mispricing. *Account. Rev.* 77 (4), 755–791.
- Bergstresser, D., Philippon, T., (2006). CEO incentives and earnings management. *Journal of Financial Economics* 80, 511–531.
- Bouaziz, D., Salhi, B. and Jarboui, A. (2020), "CEO characteristics and earnings management: empirical evidence from France", *Journal of Financial Reporting and Accounting*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print
- Carter, M.E., Lynch, L.J., Zechman, S.L.C., (2009). Changes in bonus contracts in the post-Sarbanes–Oxley era. *Rev. Account. Stud.* 14 (4), 480– 506.
- Cornett, M.M., Marcus, A.J., Tehranian, H., (2008). Corporate governance and pay-for-performance: the impact of earnings management. *J. Financ. econ.* 87 (2), 357–373.
- Das, S., Hong, K., Kim, K., (2013). Earnings smoothing, cash flow volatility, and CEO cash Bonus. *Financ. Rev.* 48 (1), 123–150.
- Francis, R., Olsson, P., Schipper, K., (2005). The market pricing of accruals quality. *Journal of Accounting and Economics* 39, 295–327.
- Gong, G., Li, L.Y., Yin, H., (2019). Relative performance evaluation and the timing of earnings release. *J. Account. Econ* In Press
- Guay, W., (2008). Discussion of accounting discretion, corporate governance, and firm performance. *Contemporary Accounting Research* 25, 407–413.
- Healy, P., Kang, S.-H., Palepu, K., (1987). The effect of accounting procedure changes on CEOs' cash salary and bonus compensation. *J. Account. Econ.* 9 (1), 7–34.
- Healy, P.M., (1985). The effect of bonus schemes on accounting decisions. *J. Account. Econ.* 7 (1–3), 85–107.
- Inaam Zgarni, Khamoussi Halioui, (2016) "Audit committee effectiveness, audit quality and earnings management: a meta-analysis", *International Journal of Law and Management*, Vol. 58 Issue: 2, pp.179-196, <https://doi.org/10.1108/IJLMA-01-2015-0006>
- Jeanjean, T., Stolowy, H., (2008). Do accounting standards matter? An exploratory analysis of earnings management before and after IFRS adoption. *Journal of Accounting and Public Policy* 27, 480–494.
- Robin, A., Wu, Q., (2012). Firm Growth and the Pricing of Discretionary Accruals. *Review of Quantitative Finance and Accounting*.
- Sloan, R., (1996). Do stock prices fully reflect information in accruals and cash flows about future earnings? *Account. Rev.* 71 (3), 289–315.